عاج‌های زیویه



موز ملی ایران دارای مجموعه‌ها و آثاری متنوع از دوره‌های زمانی و مناطق گوناگون است. یکی از آنها مجموعه آثاری است که از زیویه، واقع در استان کردستان به دست آمده اند.

موز ملی ایران دارای مجموعه‌ها و آثاری متنوع از دوره‌های زمانی و مناطق گوناگون است که هر کدام پژوهشگران را به خود می‌خواند تا رازهای سر به مُهر و ناگفته‌شان را بازگشایند. یکی از آنها مجموعه آثاری است که از زیویه، واقع در استان کردستان به دست آمده اند.

زیویه محوطه‌ای است نامی در باستان‌شناسی عصر آهن شمال غرب ایران؛ چه از آن روی که بیشتر علاقه‌مندان تاریخ و باستان‌شناسی ایران در سطح جهان این محوطه را می‌شناسند، چه از آن روی که موزه‌های مهمی چون متروپولیتن، لوور و ایران باستان نمونه‌هایی از آثار آن را در سالن‌های اصلی خود به نمایش گذاشته اند؛ دیگر اینکه کمتر پژوهشی در حوز عصر آهن منطقه است که بدون ارجاع یا مقایسه با زیویه پایان پذیرد. با این همه، پانزده فصل کاوش باستان‌شناسی تا امروز آن‌چنان‌که باید از ابهامات علمی این محوطه نکاسته است؛ به‌ویژه آنکه گزارش‌های کاوش‌ها نیز به طور کامل منتشر نشده اند و صرفاً از بعضی از کاوشگران مقالاتی محدود منتشر شده و عده‌ای دیگر حتی از ارائ مقاله نیز امساک ورزیده اند. هنوز چشم‌انداز روشنی از پلان و معماری زیویه در دست نیست و گاه‌نگاری آن دستخوش اگر و اماهای بسیار است و ریش بسیاری از این مشکلات با انجام نشدن به‌موقع انتشارات زیویه نیز بی‌ارتباط نیست.

از آنجا که انتشار نتایج کاوش‌های زیویه در زمان درست خود انجام نشده، باستان‌شناسی این محوطه بدون برنامه‌ای کلان و هدفمند، به شیوه‌ای کاملاً سنتی ادامه یافته، در نتیجه و متقابلاً مواد و آثار فرهنگی به‌دست‌آمده، بدون مطالعه و پژوهش جامع، صرفاً در موزه‌ها جای گرفته اند بی‌آنکه دستاوردهای آنها منتشر شود؛ از این‌روست که حجم کنونی دانسته‌های ما در مورد زیویه به نسبت میزان کاوش‌ها بسیار ناچیز است. به نظر می‌رسد گره‌گشای اصلی مشکلات علمی زیویه انتشارات است؛ ما اگر دربار زیویه خیلی نمی‌دانیم دست‌کم باید بدانیم که دقیقاً از زیویه چه می‌دانیم، از چه موضوعاتی اطلاعات کافی داریم و خلأهای مطالعاتی زیویه کدام اند تا برنامه‌های آینده را در آن راستا برنامه‌ریزی کنیم. بر این اساس انتشار کتاب عاج‌های زیویه در موز ملی ایران از جمله قدم‌های نخست در این زمینه به شمار می‌رود؛ آن

را به فال نیک می‌گیریم.

در این میان، موزۀ ملی ایران سکاندار و امانت‌دار بخش بزرگی از آثار تاریخی ـ فرهنگی این سرزمین است؛ آثاری از پس هزاره‌ها هر از گاهی نهیبی می‌زنند به آنان که گذرا از کنارشان می‌گذرند... گاهی اندکی تفکر و تأمل را باید چاشنی زندگی پرشتاب این روزگاران کرد تا فرصتی یافته، اندیشه کنیم «از کجا آمده ایم و کجا خواهیم رفت؟» به سان کسانی که می‌خواهند پرشی بزرگ انجام دهند، چند گامی به عقب برمی‌گردند و سرعت می‌گیرند و آنگاه پرشی با موفقیت را انجام می‌دهند، موزه‌ها جایگاهی هستند برای این تفکر و بازشناسی؛ این لحظه‌های ناب را به ما می‌بخشند تا بدانیم «چه راهی را پیموده ایم و اکنون در کجای این راه ایستاده ایم؟» نیز موزه جایی است برای امانت‌داری و حفاظت؛ نه صرفاً امانت‌داری از آثار، بلکه پاسداشت سنت‌های خوب و حفاظت از اندیشه‌های جاویدان. گواه این امر همین کتاب است که آقای چارلزورث نسخه‌ای از گزارشی منتشرنشده را سال 1358 به کتابخانۀ موزۀ ملی ایران در واقع کتابخانۀ مرکز باستان‌شناسی وقت سپرد و علی‌رغم استفادۀ پژوهشگران و محققان ایرانی، کسی چشم طمع به آن ندوخت و پس از نزدیک به 40 سال به نام خود وی منتشر می‌شود طوری که آن گزارش همراه با ترجمه و البته تکمله‌ای مهم و لازم از پژوهشگرـ باستان‌شناس موزۀ ملی ایران سرکار خانم ناهید دهقان به سرانجام مناسب‌تری نیز رسیده، تکمیل شده، اکنون در این کتاب ساحت انتشار یافته است.

شایسته است جدای از تشکر از پژوهشگر نخست کتاب پیش رو، آقای مارتین چارلزورث، از خانم ناهید دهقان سپاسگزاری کنیم به خاطر تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیرشان در تکمیل این گزارشِ صرف و قابل ارائه و بهره‌برداری کردن آن برای عموم علاقه‌مند؛ به‌ویژه آنکه وی این کار را تنها از سر علاقه و ذوق، و احساس نیاز جامعۀ علمی به آن انجام داده است.

ناشر و همکاران